



«**حسینیه معلی» برای اولین بار به ۵ زبان پخش می‌شود**»

برنامه تلویزیونی «حسینیه معلی» به ۵ زبان ترجمه شده و همزمان با پخش در ایران از چند کشور دیگر هم روی آنتن خواهد رفت.

چند روزی است که «حسینیه معلی» با گروه‌های جدید و مداحی‌های متفاوت به آنتن شبکه سه آمده و همچون گذشته نجم‌الدین شریعتی آن را اجرا می‌کند.

به گفته تهیه‌کننده این برنامه تلویزیونی، مأموریت اصلی «حسینیه معلی» مثل تمام حسینیه‌ها روضه‌خوانی و برپایی مجلس عزای اهل‌بیت (ع) است. همان‌طور که در کنار پخش مداحی‌ها و آیین‌های مختلف، با حضور حجت‌الاسلام کرمی در میز ذاکرین، بحث‌های معرفتی و بازگو کردن شعور عاشورایی اتفاق می‌افتد.

## زنگ خطری که باید صدایش را شنید / صداوسیما رقابت را جدی بگیرد



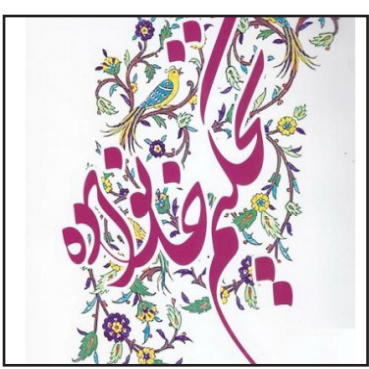
خبری در دست صداوسیماست! در این نشست، مجری طرح پیمایش ملی فرهنگ رسانه‌های اجتماعی در ایران به ذکر برخی از نتایج این پیمایش پرداخت و گفت: پرسشنامه‌های این پیمایش براساس محاسبه ضروری و تصادفی با افراد بالای ۱۵ سال در ۳۱ استان کشور در اردیبهشت ۱۴۰۳ تکمیل شده است، جامعه آماری این پیمایش شامل ۴۷ درصد مردان و ۵۲ درصد زنان بوده‌اند. بر اساس این پیمایش، پنج رسانه اجتماعی پرتیرفدار به ترتیب ۷۲ درصد اینستاگرام، ۵۲ درصد تلگرام، ۴۶ درصد واتساپ، ۴۲ درصد روبیکا و ۳۲ درصد اپنا بوده‌اند. در شبکه‌های اشتراک‌گذاری ویدیو نیز ۴۲ درصد از آپارات، ۸ درصد از تماشا و ۲۵ درصد از یوتیوب

## پس از شهادت شهید جمهور می‌توان دوست و دشمن را از هم تفکیک کرد



را می‌بینیم. میزان و کمیت عمل کسی دیگری را بالا نمی‌برد و هر کسی سر سفره نیت خود نشسته است. شرایط کشور به سمتی پیش رفته بود که برخی می‌گفتند کشور باید به سمت دولت پارلمانی و نخست وزیری برود؛ زیرا نمی‌توان با رهبر و رئیس جمهور کشور و اداره کرد ولی شهید بزرگوار کاری کرد که ما بههمین مشکل از آن افراد است و می‌توان کشور را هم با رهبر پیش برد و هم رئیس جمهور. در بخش پایانی مراسم نیز محمد مخبر و محمدمهدی اسماعیلی از مجتبی اmini برای اثر «پرواز در مه»، تقدیر و پس از آن از پوستر شهید

## مبانی تحکیم خانواده در سبک زندگی امام حسین (ع) (قسمت سوم)



اگر انسان با همسرش رفتار گرمانه داشته باشد موجب تحکیم خانواده می‌شود که نمونه آن را در زندگی امام حسین (ع) مشاهده می‌کنیم.

انسان با همسرش رفتار گرمانه داشته باشد موجب تحکیم خانواده می‌شود که نمونه آن را در زندگی امام حسین (ع) مشاهده می‌کنیم.

برخی از مولفه های اوقات فراغت به قرار زیر می باشد:

فلسفه اوقات فراغت، ارتباطی منطقی با فلسفه زندگی دارد و در حقیقت زیر مجموعه و تابعی از آن است.

فلسفه اوقات فراغت، با اوقات رسمی زندگی فرد نیز ارتباط دارد. با این توضیح که چنانچه فرد بتواند از اوقات رسمی خویش به خوبی استفاده کند، قادر بر استفاده مطلوب از اوقات فراغتش خواهد بود.

در فرهنگ و اندیشه اسلامی، اوقات فراغت با بیهودگی و معطلی و روزمرگی، سر سازگاری ندارد، بلکه فراغت، فرصت مجددی برای تلاش و کوشش بی پایان زندگی است. ارتباط منطقی فلسفه اوقات فراغت با هدف خلقت، ضرورت تدوین یک فلسفه ارضاء کننده زندگی را مشخص می سازد. و چنین بینشی نسبت به زندگی، روح رضایت را در آدمی، پرورش می دهد. روح رضایت را در آدمی، اوقات فراغت مطلوب، آثار و پیامد هایی در زندگی انسان دارد

اگر می گوئیم جوانان و نوجوانان باید از اوقات

روزنامه صبح ایران /

سال دهم - شماره ۱۴۷۳

۲۳ تیر ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید

www.serajonline.com @serajname

### فرهنگ و هنر

### نامهٔ امام حسین علیه‌السلام به برادرش، محمد حنفیه(۳)



#### حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان

غیبت کسی را کرده، حالا هم خجالت می‌کشد که به او بگوید. جایز هم نیست که بگوید برای این که این کار بیشتر باعث کدورت و اختلاف می‌شود. پیامبر فرمود: «كَفَّارَةُ الْغِيَابِ أَنْ تَسْتَغْفِرَ لِمَنْ اغْتَابَتْهُ» طلب مغفرت کن برای کسی که غیبتش را کردی، راه جبران این است. امام صادق فرمود: اِگر کسی گناهی را در خفا انجام داده «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فِي السِّرِّ فَلِمِيعِلْ حَسَنَةً فِي السِّرِّ» ؛ گناه مخفیانه کردی، حالا کار ثواب مخفیانه بکن، مخفیانه کمک کن، در نیمهٔ شب برخیز و نماز بخوان و بگو خدایا، من گناهانی کرده‌ام که هیچ کس نبود و کسی ندید، خودم می‌دانم و تو، حالا هم عبادت‌هایی می‌کنم که هیچ کس نبیند، بلند می‌شوم و نماز شب می‌خوانم، مخفیانه صدقه می‌دهم. پس نوع جبران، و نوع انابه می‌تواند با نوع گناه منطبق باشد.

بلیط ورود به بهشت

چقدر این آیه زیباست! قرآن می‌فرماید: «سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»؛ مردم بشتابید، بدوید، هر که مغفرت می‌خواهد بیاید. «عجله» با «سرعت» فرق می‌کند. در کار خیر می‌گویند «ساروعا» و در قرآن غالباً تعیر سرعت و سبقت به کار رفتی. «ساروعا»؛ بشتابید، «إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»؛ هر که مغفرت می‌خواهد بیاید. دیگر چه؟ «وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ هر که بهشت می‌خواهد بشتابد. حال هر که کمیند که بلیط ورودی بهشت را به ما بدهند؟ بلیط و کوپن آن چیست؟ یک وقت می‌گویند: بدوید فلان جا دارن فلان جنس را می‌دهند، کوپن شمارهٔ فلان و قیمتش هم این قدر است. آقایی که در مغازه‌اش دارد مغفرت و بهشت را عرضه می‌کند، باید کوپن و شمارهٔ آن را هم اعلام کند. کوپن آن چیست؟ می‌گویند: «عِدَّتُ لَلْمُتَّقِينَ»؛ شماره کوپن‌های آن این است: اول، تقوا.

انواع انفاق

«الَّذِينَ» کسانی که «يُنْفِقُونَ فِي السَّرِّ» وَالسَّرَّاء» علامت شمارهٔ دوم، کوپن آن این است: کسانی که انفاق می‌کنند؛ چه در حالی که در دارند و چه در حالی که ندارند. وقتی که دارند درست انفاق می‌کنند؛ اما وقتی ندارند چگونه انفاق می‌کنند؟ پاسخ این است که انفاق فقط به صورت مالی نیست، گاهی یک آدم آبرومند انفاقش را است که در فامیل واسطهٔ ازدواج دو تا جوان می‌شود. ضامن یک کسی می‌شود. آبرویش را گرو می‌گذارد تا دعوی‌ای را حل کند. بین دو نفر صلح ایجاد می‌کند. قرآن نمی‌گوید فقط از پول انفاق کنید، می‌گوید:«وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» ؛ از هر چه به شما داده‌ایم. به یکی آبرو داده‌ام به یکی زبان و بیان داده‌ایم، به یکی مدرک داده‌ایم، به یکی فکر و اندیشه داده‌ایم، یک فردی در بین فامیل مُتَمَوِّن (شناخته شده) است و می‌تواند دعوها را حل و فصل کند.

همهٔ این‌ها مصداق انفاق است.

«سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ» بشتابید به سوی مغفرت خدا و بهشت، و شماره‌هایی که با آن مغفرت و بهشت را به شما می‌دهند این‌هاست: ۱- تقوا، ۲- انفاق، ۳- «وَالْكَافِمِينَ الْفَيْضَ»؛ خشمشان را کنترل کنید، انسانی که عصبانی می‌شود

و خشمش را کنترل می‌کند، حدیث قدسی است که خواندنی می‌فرماید: من هم خشمم را کنترل می‌کنم و عذاب‌های من کمتر نیستم. او عصبانی شد، خودش را کنترل کرد. از دست کسی و یا از خضای کسی ناراحت شد، اما خشمش را فرو برد، من که خالق او هستم پس من هم غصیم را در مورد او کنترل می‌کنم. این یکی از آثار کنترل خشم است. «وَالْكَافِمِينَ الْفَيْضَ وَالْقَافِينَ غِنِ النَّاسِ» ؛ کسانی که از مردم می‌گذرند و آنها را عفو می‌کنند. خدا می‌گوید: تو عفو کردی، تو رحم کردی، من رحم نکنم! این آیه را در ذهن داشته باشید: «سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ خدا به شما بهشت و مغفرت می‌دهد، آن بهشتی که راهش تقوا، انفاق، کظم غیظ و بخشش و عفو مردم است.

خدایا به عظمت امام زمان، ارواحنا فداء قسمت می‌دهیم به همهٔ ما توفیق کسب صفات اخلاقی و پرهیز را ز دانش اخلاقی را عنایت بفرما.

۱. حفظ دین و اعتقادات

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: یکی از نشانه‌های سعادت انسان حفظ دین و اعتقادات اوست.

یکی از نشانه‌های سعادت این است که انسان بتواند دینش را در مقابل دنیا حفظ کند، دینش را نفروشد؛ «سَعَادَةُ الرَّجُلِ فِی احِرَارٍ دِينِهِ وَ الْعَمَلِ لِأَخِرَتِهِ». چقدر این حدیث زیباست! سعادت یک انسان این است که دینش را احراز کند و تلاش او برای آخرتش باشد. اما عمرسعد چه کرد؟ عمر سعد تلاشش را برای حکومت ری مصروف کرد آیا به آن رسید؟ کسی که از قیامت ترسد هر کاری می‌کند. قرآن می‌گوید کسی که از قیامت خوف نداشته باشد کسی که به معاد عقیده نداشته باشد، «بَلْ يَرِیدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ. يَسْأَلُ أَتَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». بعضی‌ها می‌خواهند دست آنها باز باشد تا معصیت کنند و می‌گویند قیامت کجاست؟ معاد کجاست؟

روش امام حسین و یاران او برای هدایت در خاسته به عمر سعد فرمود تو که مرا می‌شناسی چرا به جنگ آمدی؟! چرا این لشکر را جمع کردی؟! لشکر کربلا از شام نیامده بود مردم اهل بیت را خوب می‌شناختند، تبلیغات حکومت شام خیلی قوی بود، ولی این‌هایی که در کربلا بودند اهل کوفه بودند! اطراف آمده بودند، این‌ها علی را می‌شناختند، اهل بیت را می‌شناختند. با فرض این که تبلیغات قوی شده بود و ترس بود، اما امام حسین و اصحابش آن قدر خطبه خواندند و صحبت کردند که تقریباً مسائل را شفاف کردند. امام حسین در روز عاشورا مکرر فرمود: «أَنَا ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ»، من پسر پیغمبرم! «أَنَا ابْنِ فَاطِمَةَ»، أنا ابْنِ عَلِی» مکرر فرمود: چرا مرا می‌کشید؟ آیا من سنت پیغمبر را زیر پا گذاشتم؟ آیا من دین را کنار گذاشتم؟ آیا من بدعتی در دین گذاشتم؟ آخر اشکال کار من کجاست؟ شما بگویید ای لشکر، برای چه جمع شده‌اید؟ درست است که جهل بود، اما امام هم خیلی آگاهی داد، خیلی صحبت کرد، به صورت فردی و گروهی، خطبهٔ خودش، خطبهٔ اصحابش در غالب شعر. اما آنها گوش نکردند و دین را فدای دنیا کردند و در مقابل امام حسین ایستادند. پس یک نشانهٔ سعادت این است که انسان نگذارد دینش فدا شود بلکه آن را حفظ کند.

۲. عاقبت به خیری :در روایت داریم یکی از نشانه‌های سعادت انسان، این است که عاقبت به خیر شود. امیرمؤمنان می‌فرماید: «حَقِيقَةُ السَّعَادَةِ أَنْ يَخْتِمَ الرَّجُلَ عَمَلُهُ بِاللَّسْعَادَةِ» ؛ نشانهٔ سعادت این است که پایان کار انسان با سعادت ختم شود. چون خیلی‌ها شروع خوبی دارند، ولی پایان خوبی ندارند؛ طلحه، زبیر، بلعم باعورا، برصیصای عبید. در تاریخ نمونه‌های زیادی داریم که آغاز خوبی داشتند، ولی پایان خوبی نداشتند. چرا یکی از دهاهای ما این است که: «الْأَحْقَنُ بِالْأَلْحَجِینِ»؛ خدایا ما را به صالحان ملحق کن؟ چرا در یکی از دهاهای ما این گونه آمده است: «تَوَفَّنَا مَعَ الْأَنْبَارِ»؛ ما را نیک بمیران؟ چرا یکی از دهاهای حضرت یوسف (ع) بود:«تَوَفَّنَا مَسْلَمًا»؛ ما را مسلمان بمیران. مسلمان شروع کردن یک سخن است و مسلمان مردن یک سخن دیگر. اگر به تاریخ نگاه کنید افراد زیادی با علی شروع کردند؛ طلحه با علی شروع کرد، زبیر با علی شروع کرد، با علی بیعت کرد، اما همین‌ها در جنگ جمل مقابل ایستادند و مقابل او صف آرایی کردند. این مهم است که انسان از خدا بخواهد که عاقبت به خیر شود و در پایان و نهایت کارش سعادتمند باشد و برای خودش نهایت خوبی را رقم بزند. حر ابن یزید یکی از این نمونه‌ها بود. چگونه عاقبت و نهایتش نیک تمام شد! چگونه پایان به این نیکی و خوبی را برای خودش رقم زد!

معنای انابه برادران! یکی از اصولی که در زندگی من و شما باید همیشه مورد توجه باشد، اصل تجدید نظر است، که قرآن ناضر را انابه می‌گذارد، انابه یعنی بازگشت؛ یعنی هر کجا دیدی ماشین دارد اشتباه می‌رود آن را برگردان و ادامه نده، چون اگر ادامه بدهی بیشتر از بدو می‌شوی. این آیهٔ قرآن است: «يَهْدِي إِلَيْهِ مَنَ أَنَابٍ»؛ خدا کسی را که انابه، یعنی تجدید نظر در زندگی باشد هدایت می‌کند. اسلام بن بست ندارد، اسلام در هر جایی با هر خطایی که انسان کرده اجازهٔ بازگشت داده است.

مطابق توبه و انابه با نوع گناه

یک وقت شخصی نزد پیغمبر آمد و گفت: غنی سازی اوقات فراغت را نباید به برنامه های محدودی خلاصه کرد و بسیار پر اهمیت است، بزرگن برنامه اوقات فراغت باید در دستور کار مجموعه های فرهنگی مانند مدارس ولا باشد. ویژگی بارز اوقات فراغت آزادی انتخاب و نوع فعالیت است؛ اما والدین برای پر کردن اوقات فراغت فرزندان پس از پایان پایه تحصیلی ، بدون توجه به علایق آنها را در کلاس های درسی، هنری، ورزشی، اردو و غیره ثبت نام می کنند که این خود باعث عدم استقبال نوجوانان و جوانان می شود.